موضوع: تعیین سلام واجب و مستحب/ سلام/ واجبات نماز

فهرست مطالب:

[بررسی استحباب سلام اخیر بعد از سلام دوم 1](#_Toc181446708)

[اشکال آقای خویی 1](#_Toc181446709)

[پاسخ 1](#_Toc181446710)

[بیان آقای سیستانی 1](#_Toc181446711)

[اشکال 1](#_Toc181446712)

[بررسی حکم «السلام علیک ایها النبی....» 1](#_Toc181446713)

[اقوال در مسئله 1](#_Toc181446714)

[ادله قول به وجوب 1](#_Toc181446715)

[دلیل اول، موثقه ابی بصیر 1](#_Toc181446716)

[اشكال اول 1](#_Toc181446717)

[اشکال دوم 1](#_Toc181446718)

[پاسخ 1](#_Toc181446719)

[اشکال سوم 1](#_Toc181446720)

[پاسخ 1](#_Toc181446721)

[دلیل دوم موثقه ابی بکر حضرمی 1](#_Toc181446722)

[اشکال اول 1](#_Toc181446723)

[اشکال دوم 1](#_Toc181446724)

[اشکال سوم 1](#_Toc181446725)

[ىليل سوم روایت محمد بن سنان 1](#_Toc181446726)

[اشکال 1](#_Toc181446727)

[دلیل چهارم، آیه 56 سوره احزاب 1](#_Toc181446728)

[اشکال اول 1](#_Toc181446729)

[اشکال دوم 1](#_Toc181446730)

[بررسی نظر آقای سیستانی 1](#_Toc181446731)

[اشكال 1](#_Toc181446732)

[پاسخ 1](#_Toc181446733)

[استحباب «و رحمة الله و برکاته» در سلام اخیر 1](#_Toc181446734)

[اقوال در مسئله 1](#_Toc181446735)

[بررسی ادله وجوب «و رحمة الله و برکاته» در سلام اخیر 1](#_Toc181446736)

[دلیل اول 1](#_Toc181446737)

[اشکال 1](#_Toc181446738)

[دلیل دوم 1](#_Toc181446739)

[اشکال 1](#_Toc181446740)

بسم الله الرحمن الرحیم

و له صيغتان، هما: «السّلام علينا و على عباد اللّه الصالحين»، و «السّلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته»، و الواجب إحداهما، فإن قدّم الصيغة الاولى كانت الثانية مستحبّة، بمعنى كونها جزءا مستحبّيّا لا خارجا، و إن قدّم الثانية اقتصر عليها. و أمّا «السّلام عليك أيّها النبيّ‌» فليس من صيغ السّلام، بل هو من توابع التشهّد، و ليس واجبا، بل هو مستحبّ‌، و إن كان الأحوط عدم تركه؛ لوجود القائل بوجوبه، و يكفي في الصيغة الثانية: «السّلام عليكم» بحذف قوله: «و رحمة اللّه و بركاته»، و إن كان الأحوط ذكره ، بل الأحوط الجمع بين الصيغتين بالترتيب المذكور[[1]](#footnote-2).

# بررسی استحباب سلام اخیر بعد از سلام دوم

بحث به اینجا رسید که اگر اکتفا به «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» جایز باشد و گفتن «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته» مستحب باشد، آیا این مستحب خارج از نماز است مثل تسبیحات حضرت زهرا (س) یا جزء مستحب در نماز است؟ صاحب عروه فرموده جزء مستحب در نماز است.

## اشکال آقای خویی

برخی مثل آقای خوئی اشکال کردند که این محال است. وقتی نماز با «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» تمام می‌‌شود معنا ندارد که بعد از آن «السلام علیکم» جزء مستحب در نماز باشد. علاوه بر این‌که اگر این سلام، مانند قنوت مستحبی وسط نماز نمی‎توانست جزء نماز باشد، زیرا جزء بودن یعنی «انتفاء الکل بانتفائه» اما جواز ترک آن به این معنا خواهد بود که کل با انتفای آن منتفی نمی‎شود و این ها با هم جمع نمی‌شود.

همچنین ایشان فرمودند: درست است که ظاهر موثقۀ ابی بصیر که تشهد طویل را ذکر کرده و در آن آمده: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ ثُمَّ تُسَلِّمُ»[[2]](#footnote-3) این است که سلام اخیر جزء نماز است ولی به خاطر وجود برهان باید از این ظهور رفع ید کرد. علاوه بر آن روایت محمد بن سنان که در آن آمده: «وَ تَقُولَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ- فَإِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدِ انْقَطَعَتِ الصَّلَاةُ ثُمَّ تُؤْذِنَ الْقَوْمَ فَتَقُولَ وَ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ»[[3]](#footnote-4) -با غمض عین از ضعف سند آن- ظاهر در این است که با گفتن «السلام علینا» نماز تمام می‎شود و سپس به مردم با «السلام علیکم» اعلان می‎کند تا بفهمند نماز تمام شده است. اگر این روایت، ضعف سند نداشت معارض یا قرینه بر رفع ید از ظهور موثقۀ ابی بصیر بود[[4]](#footnote-5).

## پاسخ

به نظر می‎رسد موثقۀ ابی بصیر ظهوری در جزء مستحب بودن سلام اخیر ندارد. بله اگر سلام اخیر واجب بود طبعا جزء واجب می‌‌شد ولی با وجود قرینه بر اینکه «السلام علیکم» بعد از «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» واجب نیست دیگر ظهوری در جزء مستحب بودن نماز ندارد. «ثم تسلم» یعنی تشهد و آنچه از تو خواستیم تمام شد سپس امر به یک فعل مستحبی می‌‌کند که آخر نماز مستحب است.

اما نسبت به اشکال عقلی ایشان بیان شد که جزء الفرد بودن اشکالی ندارد، مثلا دست جزء بدن ماست اما جزء واجب نیست به این معنا که انسان بودن ما متوقف بر این‌ نیست که دست داشته باشیم. حتی کسانی که شش انگشتی هستند انگشت ششم‌ آنها نیز جزء فرد و ‌جزء بدن آنها است. بنابراین سلام اخیر می‌‌تواند جزء نماز باشد هرچند جزء طبیعت واجبه نماز نیست.

## بیان آقای سیستانی

آقای سیستانی بیانی در تکبیرة الاحرام داشتند که ممکن است که در تسلیم نیز مطرح شود. در آنجا فرمودند که ممکن است اولين جزء نماز، ماهیت اعتباری افتتاح الصلاة باشد که شارع برای آن مصداق جعل می‎کند. یک مصداق آن یک بار تکبیر است، مصداق مصداق دیگر آن سه بار تکبیر گفتن است و مصداق دیگر آن این است که هفت بار تکبیر گفته شود. اگر هفت بار تکبیر گفته شود کل آن یک مصداق اعتباری برای افتتاح الصلاة می‌‌شود. فرض این است که عنوان افتتاح الصلاه عنوان قصدی است هرچند با قصد ارتکازی باشد. اتیان به این فرد که هفت تکبیر است فرد افضل است ولی در عین حال فرد واجب است؛ مثل اینکه نمازی که در مسجد خوانده می‎شود مصداق واجب است ولی اتیان به فرد افضل آن است.

این مطلب را از ایشان در اين بحث ندیدیم اما در اینجا قابل طرح است که ممکن است گفته شود در انتهای نماز اختتام الصلاه واجب است که مصادیقی دارد یک مصداق آن گفتن «السلام علینا» است مصداق دیگر «السلام علیکم» است و مصداق دیگر این است که هر دو را بگوید و با کل این سلام ها قصد مخرجیت می‎كند.

ما به شلیک کردن توپ در هنگام استقبال از یک مهمان مثال می‎زدیم که مولا می‌‌گوید: اگر 18 توپ بزنید این مصداق تعظیم است اگر 21 توپ هم بزنید مصداق تعظیم است. و افضل این است که 21 توپ شلیک کنید. در اینجا همه 21 توپ مصداق این احترام است که یک ماهیت اعتباری می‎باشد.

### اشکال

این فرمایش خلاف ظاهر است. ظاهر این است که امر روی عنوان افتتاح الصلاة نرفته بلکه روی تکبیر رفته است. ‌بله در روایت نقل شده: «لا صلاة بغیر افتتاح»[[5]](#footnote-6)، ولی بعید نیست که آن نیز عنوان مشیر به گفتن تکبیر باشد. در اینجا نیز امر روی عنوان اختتام الصلاة نرفته است بلکه خود سلام امر دارد.

علاوه بر این، همان شبهه‌ای که در مورد لغویت عرفیه واجب بودن جامع بین اقل و اکثر مطرح می‌‌شود در اینجا نیز می‌‌آید که عرفی نیست امر وجوبی روی جامع بین یک یا دو تکبیر برود، اگر یکی واجب و دومی مستحب باشد اشکالی ندارد ولی اینکه جامع میان آنها واجب باشد عرفی نیست زیرا یک تکبیر را در هر صورت باید بیاورد برای فرض کردن جامع باید به گونه ای فرض کرد که متباین باشند یعنی یک تکبیر به شرط لا از دو تکبیر باشد. لازمه آن این است که اگر گفته شود که هفت بار تکبیر بگویید به قصد افتتاح نماز به جمیع هفت بار، اگر در اثنای آن پشیمان شوید و بخواهید به همان اولی اکتفا کنید نماز باطل شود، اگر به نحو متباین فرض شود کسی اشکالی ندارد. عدل قصد افتتاح صلاة با هفت تکبیر این است که قصد افتتاح صلاة به یک تکبیر کند اما بحث این است که مصادیق متباین فرض نشود شخصی به قصد افتتاح نماز الله اکبر بگوید حتی اگر قصد داشت که هفت مرتبه بگوید بتواند به همان یک بار اکتفا کند. در چنین فرضی است که گفته می‎شود لغو است که گفته شود جامع بین یک بار یا سه بار یا پنج بار یا هفت بار، واجب است. کسی که هفت بار می‎گوید یک بار را نیز گفته است و همان واجب باشد و بقیه مستحب. لذا این راه حل‌ آقای سیستانی به نظر قابل اشکال می‌‌آید.

# بررسی حکم «السلام علیک ایها النبی....»

## اقوال در مسئله

مشهور می‎گویند: «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» مستحب بوده و از توابع تشهد است. در مقابل برخی مانند جعفی در کتاب الفاخر طبق نقل ذکری قائل به وجوب هستند[[6]](#footnote-7).

در کنز العرفان فاضل مقداد نیز تمایل به وجوب دارد و فرموده: «الذی یغلب علی ظنی الوجوب»[[7]](#footnote-8) ایشان به روایت ابی بصیر هم استشهاد می‌‌کند که فرموده: « فَإِنَّمَا التَّسْلِيمُ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى النَّبِيِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ تَقُولَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»[[8]](#footnote-9) یا روایت ابی کهمس که نقل شده: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ إِذَا جَلَسْتُ فِيهِمَا لِلتَّشَهُّدِ فَقُلْتُ وَ أَنَا جَالِسٌ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ- انْصِرَافٌ هُوَ قَالَ لَا وَ لَكِنْ إِذَا قُلْتَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ فَهُوَ الِانْصِرَافُ»[[9]](#footnote-10). ایشان می‎گوید چون راوی اینگونه بیان کرده که اذا جلست للتشهد فقلت و انا جلاس ... در ارتکاز خود آن را جزء تشهد می‎دانسته و تشهد هم واجب است و این هم که جزء تشهد باشد واجب خواهد بود اما به نظر می‎رسد روایت دوم هیچ اشعاری به وجوب «السلام علیک ایها النبی» ندارد.

دیدگاه دیگر نظر آقای سیستانی است که «السلام علیکم ایها النبی» مستحب است ولی جزء تشهد نیست.

## ادله قول به وجوب

### دلیل اول، موثقه ابی بصیر

ممكن است برای قول به وجوب كه نظر جعفی بود به موثقۀ ابی بصیر که در مورد تشهد طویل وارد شده استدلال شود، در موثقه نقل شده: «ثُمَّ قُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ وَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».[[10]](#footnote-11).

### اشكال اول

همانطور که درگذشته بیان شد این موثقه دلیل بر وجوب نیست زیرا سیاق آن سیاق بیان مستحبات است. آقای خوئی هم فرمود: قرینۀ متصله وجود دارد که از روایت فهمیده می‎شود مجموع این تشهد واجب نیست.

با توجه به ارتکاز متشرعه مطلب درستی است.

### اشکال دوم

آقای خویی می‎فرماید: برفرض دلالت موثقه را بر وجوب بپذیریم[[11]](#footnote-12) صحیحۀ فضلاء معارض آن است که در آن آمده است: «عَنِ الْفُضَيْلِ وَ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا فَرَغَ مِنَ الشَّهَادَتَيْنِ فَقَدْ مَضَتْ صَلَاتُهُ فَإِنْ كَانَ مُسْتَعْجِلًا فِي أَمْرٍ يَخَافُ أَنْ يَفُوتَهُ فَسَلَّمَ وَ انْصَرَفَ أَجْزَأَهُ»[[12]](#footnote-13) و در این روایت «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» نیامده است.

### پاسخ

پاسخ این بیان همانطور که آقای سیستانی نیز دارند این است که شاید «السلام علیک ایها النبی» جزء تشهد نبوده و جزء سلام مستحب است. البته برای استحباب به صحیحۀ فضلاء‌ نمی‌توان تمسک کرد. زیرا فرض این است که شخص مستعجل است، اما در مورد غیر مستعجل چیزی نفرموده است ممکن است برای غیر مستعجل «السلام علیک ایها النبی» لازم باشد.

### اشکال سوم

آقای خویی دلیل دیگر بر عدم وجوب را صحیحه حلبی دانسته اند، در این صحیحه نقل شده: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يَكُونُ خَلْفَ الْإِمَامِ فَيُطِيلُ الْإِمَامُ التَّشَهُّدَ فَقَالَ يُسَلِّمُ مَنْ خَلْفَهُ وَ يَمْضِي فِي حَاجَتِهِ إِنْ أَحَبَّ»[[13]](#footnote-14). طبق این روایت بعد از تشهد چیزی واجب نیست و تشهد هم شامل «السلام علیک ایها النبی» نمی‎شود پس واجب نیست.

### پاسخ

پاسخ این بیان این است که این روایت به صدد بیان عدم وجوب تبعیت از امام در سلام است، اما کیفیت سلام را بیان نمی‌کند. امام جماعت نماز را طولانی کرده حضرت فرمودند اگر شما عجله داری و کاری داری قبل از سلام امام می‎توانی سلام بدهی و بروی، اما اینکه چگونه سلام بدهد را بیان نکرده است. الآن فتوای آقایان هم این است که ماموم در افعال نماز باید تبعیت کند، اما می‌‌تواند زودتر از امام سلام بدهد[[14]](#footnote-15).فرض نکرده حاجتی دارد می‎خواهد برود دنبال کارش که ظهور در عدم تبعیت از امام در سلام دارد.

بنابراین عمده اشکال به موثقۀ ابی بصیر این است که دلالت بر وجوب نمی‌کند.

### دلیل دوم موثقه ابی بکر حضرمی

دلیل دوم بر وجوب، موثقه ابی بکر حضرمی است که در آن نقل شده: «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنِّي أُصَلِّي بِقَوْمٍ فَقَالَ سَلِّمْ وَاحِدَةً وَ لَا تَلْتَفِتْ قُلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ»[[15]](#footnote-16). در این روایت ابو بکر حضرمی می‌‌گوید من امام جماعت هستم حضرت ع فرمود: اینکه در عامه امام جماعت یک نگاه می‌‌کند طرف راست می‌‌گوید «السلام علیکم و رحمة الله» یک بار طرف چپ را نگاه می‌‌کند و می‎گوید «السلام علیکم و رحمة ‌الله» این کار را نکن، همین رو به قبله که نشسته ای بگو «السلام علیکم»، و قبل از آن هم امام ع امر کرد که «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» بگو.

### اشکال اول

اشکال این است که این روایت ناظر به این حکم است که دو بار «السلام علیکم» نگو، و یک بار بگو. «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» استطرادا ذکر شده و ‌مصب اصلی روایت نیست. و لذا شاید از باب تعارف خارجی امام ع آن را فرموده است یعنی ‌امام ع فرمودند بطور متعارف که می‌‌گویید «السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته» بعد از آن یک «السلام علیکم» بگو.

### اشکال دوم

اگر اشکال شود که استطراد خلاف ظاهر است، و کلام امام ع ظهور در وجوب دارد، در پاسخ به آن دلیل خامس که «لو کان لبان» است تمسک می‎کنیم زیرا غیر از جعفی در کتاب الفاخر کسی از قدما قائل به وجوب السلام علیک ایها النبی نشده است. بلکه فتوا به عدم وجوب می‎دادند. جعفی هم به قول آقای بروجردی در مصر زندگی می‌‌کرد و از جو علمی حوزه‌های شیعه دور بود و خیلی به مخالفت او اعتنا نمی‌شود[[16]](#footnote-17).

### اشکال سوم

اشکال دیگر این است که احتمال می‌‌دهیم ارتکاز متشرعی در آن زمان بر عدم وجوب بوده و همانطور که شهید صدر فرموده: اگر احتمال می‌‌دهیم که امر امام ع، مقرون به ارتکاز متشرعی بر عدم وجوب بوده، دیگر نمی‎توان انعقاد ظهور امر در وجوب را احراز کرد.

مثال می‎زدیم که اگر طلبه‌ای به شما می‌‌گوید آقای فلان در درس گفت: خواندن نماز شب بر طلبه واجب است. در اینجا معلوم است که نمی‌خواهد بدعت در دین بگذارد او می‌‌خواهد تاکد استحباب و وجوب اخلاقی را بگوید، شما هم وقتی می‌‌شنوید، این مطلب را می‌‌فهمید و نیاز نیست که این ناقل برای شما توضیح بدهد. شما هم در کتاب خاطرات‌تان می‌‌نویسید که امروز دوست ما از مجلس درس آقای فلان آمد برای ما نقل کرد که ایشان گفتند من نماز شب را بر طلبه‌ها واجب می‌‌دانم و شما هم توضیح نمی‌دهید که مراد وجوب اخلاقی و ‌استحباب مؤکد است چون فکر نمی‌کنید این کتاب شما بماند و قرن‌ها بر او بگذرد و ارتکازات بین مردم ضعیف بشود و بعد شبهۀ وجوب نماز شب بر طلبه مطرح شود. اما کسی که بعد از مدتی این کتاب را می‌‌بیند و احتمال می‌‌دهد موقع تألیف کتاب قرینۀ نوعیۀ متشرعیه بر عدم وجوب بوده دیگر احراز نمی‌کند که این کلام در هنگام صدور از این متکلم ظهور در وجوب داشته است. ما تابع ظهور هستیم اگر ظهور داشت حجت است والا فلا. برخلاف آقای خوئی که تابع حکم عقل به وجوب هستند.

### ىليل سوم روایت محمد بن سنان

در روایت محمد بن سنان از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام است که نقل شده: « إِذَا كُنْتَ إِمَاماً فَإِنَّمَا التَّسْلِيمُ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى النَّبِيِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ تَقُولَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ- فَإِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدِ انْقَطَعَتِ الصَّلَاةُ »[[17]](#footnote-18). تسلیم این است که اول به پیامبر سلام بده، بعد «السلام علینا» بگو، بعد نماز تمام می‎شود.

### اشکال

این روایت به نظر ما به دلیل وجود محمد بن سنان ضعیف است اما کسانی که محمد بن سنان را ضعیف نمی‌دانند ولی مانند آقای خوئی معتقدند مفاد صحیحۀ فضلاء و صحیحۀ حلبی عدم وجوب «السلام علیک ایها النبی» است می‌‌گویند این دو قرینه بر عدم وجوب است. اما اگر کسی محمد بن سنان را مانند آقای زنجانی قبول داشته باشد و از صحیحۀ فضلاء و صحیحۀ حلبی به همان جوابی که گذشت جواب بدهد، تنها توجیهی که می‎ماند این است که به «لو کان لبان» تمسک کند و یا بگوید با وجود احتمال ارتکاز متشرعی بر عدم وجوب در زمان صدور این روایات، احراز ظهور در وجوب نمی‌کنیم.

### دلیل چهارم، آیه 56 سوره احزاب

برخی به آیه: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليماً[[18]](#footnote-19)» استدلال کرده اند که واجب است به پیامبر ص سلام بدهید و با توجه به اینکه در غیر نماز قطعا واجب نیست پس سلام واجب منحصر به نماز می‎شود. این استدلال را مرحوم فاضل مقداد در کنز العرفان آورده است[[19]](#footnote-20).

### اشکال اول

‌ «سَلِّمُوا تَسْليماً» به معنای سلام دادن نیست بلکه به معنای‌ تسلیم و ‌مطیع بودن است. همچنان که در آیه «فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا في‏ أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْليماً»[[20]](#footnote-21) یعنی تسلیم باشید.

### اشکال دوم

اگر هم گفته شود به معنای این است که بر پیامبر ص سلام بدهید، اینکه گفته شود ظهور در وجوب دارد و بر نماز حمل شود عرفا اولی نیست از اینکه گفته شود در همه حالات این امر مستحب است.

پس ما دلیل بر وجوب السلام علیک ایها النبی پیدا نکردیم.

## بررسی نظر آقای سیستانی

نظر آقای سیستانی این است که «السلام علیکم ایها النبی و رحمة الله و برکاته» مستحب است ولی جزء تشهد نیست و خارج از تشهد است[[21]](#footnote-22).

### اشكال

ممکن است کسی بگوید در موثقۀ ابی بصیر که تشهد طویل بیان شده بود در انتها گفت «ثم تسلم» پس معلوم می‌‌شود آنچه در قبل گفته شده تشهد است و این خلاف فرمایش آقای سیستانی است.

### پاسخ

پاسخ اینکه «ثم تسلم» چنین ظهوری ندارد زیرا «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» هم قبل آن بیان شده است این تعبیر ظهوری ندارد که هرچه قبل آن است تشهد است. «ثم تسلم» یعنی «ثم تذکر السلام الاخیر».

اتفاقا آن روایتی که فرمود: : «إِذَا فَرَغَ مِنَ الشَّهَادَتَيْنِ فَقَدْ مَضَتْ صَلَاتُهُ»[[22]](#footnote-23). قرینه است بر این‌که «السلام علیک ایها النبی» جزء تشهد نیست و لذا تعلیقۀ آقای سیستانی تعلیقۀ خوبی است[[23]](#footnote-24).

# استحباب «و رحمة الله و برکاته» در سلام اخیر

### اقوال در مسئله

مشهور می‌‌گویند «السلام علیکم» کافی است، از علامه هم ادعای اجماع بر این‌که بیشتر از «السلام علیکم» لازم نیست، نقل شده است. در معتبر نیز نقل شده که شافعی هم قائل است که «السلام علیکم» کافی است اما ابو الصلاح حلبی می‌‌گوید باید «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته» گفته شود[[24]](#footnote-25). ابو الصلاح حلبی در کتاب الکافی فی الفقه فرموده: «الفرض الحادي عشر: السلام عليكم و رحمة الله يعني محمدا و آله صلى الله عليه و آله»[[25]](#footnote-26) در اینجا «و برکاته» ندارد. آقای نائینی، آقای بروجردی، مرحوم آل‌یاسین احتیاط واجب می‌‌کنند که «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته» گفته شود[[26]](#footnote-27).

## بررسی ادله وجوب «و رحمة الله و برکاته» در سلام اخیر

### دلیل اول

در صحیحۀ‌ ابن‌اذینه نقل شده: «فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ سَلِّمْ فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»[[27]](#footnote-28).

### اشکال

پاسخ اینکه ‌خداوند فرمود: «سلم علیهم» و پیامبر ص افضل الافراد را انتخاب کرد اما خداوند نفرمود که این فرد را بگو.

### دلیل دوم

در روایتی از علی بن جعفر نقل شده: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: رَأَيْتُ إِخْوَتِي مُوسَى وَ إِسْحَاقَ وَ مُحَمَّداً بَنِي جَعْفَرٍ ع- يُسَلِّمُونَ فِي الصَّلَاةِ عَنِ الْيَمِينِ وَ الشِّمَالِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ.»[[28]](#footnote-29) ممکن است که کسی به این روایت استدلال کند که امام کاظم ع «و برکاته» نفرمودند

### اشکال

اشکال می‎شود که فعل امام ع دلیل بر وجوب نیست؛ پس هیچ دلیل بر وجوب «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته» نداریم بلکه دلیل بر عدم وجوب داریم چون در روایت ابی بکر حضرمی فرمود: بگو «السلام علیکم»، نفرمود: بگو «السلام علیکم و رحمة الله» یا «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته».

 ‌این‌که آقای بروجردی ظاهرا می‌‌فرمایند «السلام علیکم» عنوان مشیر است و مراد همان «السلام علیکم و رحمة الله و برکاته» است و استعمال لفظ در لفظ شده است[[29]](#footnote-30)، این خلاف ظاهر است و لااقل ظهور در این مطلب ندارد.

ان‌شاءالله جلسه آینده مقتضای اصل عملی را بررسی می‎کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.

1. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 408 [↑](#footnote-ref-2)
2. وسائل الشيعة ‏6: 394. [↑](#footnote-ref-3)
3. وسائل الشيعة ‏6: 421. [↑](#footnote-ref-4)
4. موسوعة الامام الخوئی 15: 330. [↑](#footnote-ref-5)
5. وسائل الشیعة 6: 14. [↑](#footnote-ref-6)
6. ذکری الشیعة فی احکام الشریعة 3: 420. [↑](#footnote-ref-7)
7. کنز العرفان 1: 142 [↑](#footnote-ref-8)
8. وسائل الشیعة 6: 421 [↑](#footnote-ref-9)
9. وسائل الشيعة ‏6: 426. [↑](#footnote-ref-10)
10. وسائل الشيعة ‏6: 394. [↑](#footnote-ref-11)
11. . البته ایشان به موثقۀ‌ ابی بصیر برای اثبات وجوب سلام تمسک کرد موسوعة الامام الخوئی 15: 301. اما اینجا در دلالت این موثقه بر وجوب اشکال می‌‌کند موسوعة الامام الخوئي 15: 332. [↑](#footnote-ref-12)
12. وسائل الشيعة ‏6: 397. [↑](#footnote-ref-13)
13. وسائل الشیعة 6: 416. [↑](#footnote-ref-14)
14. رساله توضیح المسائل (امام خمینی و مراجع) 1: 795. [↑](#footnote-ref-15)
15. وسائل الشیعة 6: 421. [↑](#footnote-ref-16)
16. نهایة التقریر 2: 287. [↑](#footnote-ref-17)
17. وسائل الشيعة ‏6: 421. [↑](#footnote-ref-18)
18. الاحزاب: 56 [↑](#footnote-ref-19)
19. کنز العرفان 1: 141 [↑](#footnote-ref-20)
20. النساء: 65 [↑](#footnote-ref-21)
21. العروه الوثقی و التعلیقات علیها 7: 410؛ (1) في كونه من توابعه تأمّل، بل منع، نعم، لا إشكال في استحبابه. (السيستاني). [↑](#footnote-ref-22)
22. وسائل الشيعة ‏6: 397. [↑](#footnote-ref-23)
23. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 410 في كونه من توابعه تأمّل، بل منع، نعم، لا إشكال في استحبابه. (السيستاني). [↑](#footnote-ref-24)
24. المعتبر 2: 236؛ و ان بدأ بالسلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته فإنه يجزي أن يقول: السلام عليكم و يقتصر به. قال الشافعي و قال أبو الصلاح: الفرض أن يقول السلام عليكم و رحمة اللّه و بركاته و بما قلناه قال ابن بابويه و ابن أبي عقيل و ابن الجنيد في مختصر الأحمدي قال: يقول: السلام عليكم فان قال: و رحمة اللّه و بركاته كان حسنا. [↑](#footnote-ref-25)
25. الکافی فی الفقه 119 [↑](#footnote-ref-26)
26. العروة الوثقی و التعلیقات علیها 7: 410. [↑](#footnote-ref-27)
27. وسائل الشيعة ‏5: 468. [↑](#footnote-ref-28)
28. وسائل الشیعة 6: 419 [↑](#footnote-ref-29)
29. نهایه التقریر 2: 298؛ و الظاهر أنّ‌ التسليم عندهم هي الصيغة الأخيرة المعروفة [↑](#footnote-ref-30)